

بسمه تعالی

شماره: ۱۶۵۸/الف

تاریخ: ۷۷/۰۹/۱۹

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

### ارسال پاسخ مجدد به نشریه عصر ما

جناب آقای محمد سلامتی

مدیر محترم نشریه عصر ما

با سلام و آرزوی توفیق در جلب رضای حق و خدمت به خلق

در شماره ۱۰۵ مورخ ۷۷/۷/۱۵ آن نشریه پاسخ نهضت آزادی ایران به مقاله «امیر انتظام و توهم تئوری توطئه» مندرج در شماره ۹۵ عصر ما درج شد و در زیر آن، توضیحاتی از سوی نشریه عصر ما مطرح شد.

به پیوست نظرات خود را نسبت به توضیحات نشریه عصر ما ارسال می‌کنیم و امیدواریم که این توضیحات را برای آگاهی خوانندگان محترم در اولین شماره بعدی نشریه عصر ما درج فرمایید.

با تشکر

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

## پاسخ مجدد به عصر ما

نشریه محترم عصر ما برای نخستین بار پاسخ مرداد ماه ۷۷ نهضت آزادی ایران به مقاله «امیرانتظام و توهم توطئه» مندرج در نشریه یاد شده را در شماره مورخ ۷۷/۷/۱۵ خود درج کرد و در زیر آن پاسخی تقریباً با همان حجم اضافه نمود.

نهضت آزادی ایران لازم می‌داند که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران و مسئولان نشریه عصر ما به خاطر اجرای قانون مطبوعات و درج جوایبه نهضت آزادی تشکر نماید. پاسخ عصر ما که در واقع پاسخ به برخی از مصاحبه‌های آقای دکتر یزدی با نشریات دیگر نیز می‌باشد حاوی مطالب و نکاتی است که در اینجا فقط به پاره‌ای از موارد ضروری پاسخ داده می‌شود.

۱- نویسنده محترم عصر ما در مقدمه پاسخ خود با اشاره به قسمتی از آیه شریفه «فبشر عبدالذین

یستمعون القول و يتبعون احسنه» می‌نویسد:

« به اعتقاد ما مهمترین مسئله‌ای که نظام را در معرض خطر قرار می‌دهد پائین بودن سطح تربیت و

آموزش سیاسی و در نتیجه بیگانگی نسل جوان نسبت به انقلاب است که به علت محدودیت فضای

مشارکت و رقابت‌های سیاسی طی سالهای گذشته حاصل شده است»

ما با این نظر نویسنده محترم کاملاً موافقیم. سوابق و عملکرد نهضت آزادی ایران به ویژه در دو دهه

گذشته، به وضوح نشان می‌دهد که نهضت آزادی همواره در این زمینه سخن گفته و هشدار داده و

برچسب‌ها (لیبرال و ...)، اهانت‌ها و فشارهای فردی و جمعی را تحمل کرده است و امروز خداوند بزرگ را

سپاس می‌گزاریم که آن سازمان و بسیاری از اقشار آگاه جامعه به این واقعیت و قانونمندی رسیده‌اند و

به رغم فشارها و تهدیدهای جناح انحصارطلب بر آن پای می‌فشرند.

جا داشت که نویسنده محترم به عوامل پدید آورنده این مخاطرات برای نظام و انقلاب اشاره می‌کرد.

اتفاقاً، آیه شریفه مورد استناد (آیات ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه زمر) به طور کامل این قانونمندی را تبیین

می‌کند<sup>۱</sup>

مضمون این آیات نشان می‌دهد که شرط هدایت و رشد عقلی و تربیت انسانها در راستای ارزشهای

الهی و وجود آزادی در جامعه است که در سایه آن امکان «استماع قول» و «اتباع احسن» برای مردم فراهم

شده و زمینه‌ای برای حضور و حاکمیت طاغوت، شرک و استبداد وجود نداشته باشد. بر این اساس، وقت

آن رسیده است که نویسنده محترم و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که گروههای اجتماعی را به

«خودی» و «غیرخودی» تقسیم‌بندی می‌کنند (و در راستای چنین تفکری همه امکانات اطلاع‌رسانی به

<sup>۱</sup> . والذین اجتنبواطاعت ان یعبودها و انابوا الی الله لهم البشری فبشر عباد - الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه- اولئك الذین هدیهم الله و اولئك هم اولوالالباب. « کسانی که از بندگی و تبعیت طاغوت (ارزشهای شیطان) اجتناب کردند و به سوی خدا (ارزشهای الهی) روی آوردند بر آنها بشارت باد. پس بندگان را بشارت ده - کسانی که سخن را می‌شنوند و از نیکوترین سخن پیروی می‌کنند. آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و آنان خردمنداند.»

صورت انحصاری در اختیار گروه‌های «خودی» قرار گرفته است و گروه‌های «غیرخودی»، از جمله نهضت آزادی ایران، از امکانات قانونی، به ویژه داشتن روزنامه، برای بیان دیدگاه‌های خود در جامعه محروم شده‌اند) در موضوع خود تجدیدنظر نمایند.

اگر برای پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی و حاکمیت ارزش‌های اسلامی و اجرای برنامه‌های توسعه پایدار در جامعه، وجود آزادی، «قانونمداری»، اجرای برنامه توسعه سیاسی و تحقق جامعه مدنی شرط‌های لازم و ضروری است، همه نیروهای وفادار به انقلاب و ملتزم به قانون اساسی باید بر گرد این محورها، برنامه‌ها و تلاش‌های خود را هماهنگ سازند.

۲- در بخش دیگری از پاسخ، نویسنده محترم به مصاحبه‌های ماه‌های اخیر خبرنگاران چند نشریه<sup>۱</sup> با آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران حساسیت نشان داده و می‌نویسد:

«این روزها مصاحبه‌های متعددی از دبیرکل محترم نهضت آزادی در مطبوعات مختلف درج شده و می‌شود که عمدتاً به تشریح حوادث و تحولات سال‌های آغازین انقلاب و دوران متأخر از دیدگاه نهضت مربوط است و از قضا چیزی که کمتر در آنها به چشم می‌خورد ارائه راهکارها و راه‌حل‌ها برای رفع مشکلات موجود است.»

یادآوری این نکته بدیهی ضروری است که پاسخ‌هایی که در مصاحبه‌ها داده می‌شود باید مربوط به سئوالات خبرنگاران باشد و در مصاحبه‌ها معمولاً فرصتی وجود ندارد که به راهکارها و راه‌حل‌های مشکلات موجود کشور پرداخته شود. نهضت آزادی ایران، با توجه به محدودیت‌های موجود، دیدگاه‌های کارشناسی خود را در مورد مهمترین و مبرم‌ترین مسائل و مشکلات جاری کشور مطرح کرده است و علاقمندان می‌توانند برای آگاهی یافتن از آنها به نشریات نهضت آزادی ایران مراجعه کنند. برای نمونه در ماه‌های اخیر، شایسته است که نویسنده محترم یک بار دیگر نشریه «درباره مجلس خبرگان رهبری» مورخ ۷۷/۵/۶ را مطالعه کند و با توجه به روند تحولات بعدی و اظهارنظر شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف، نقش اطلاع‌رسانی و راهبردهای مطرح شده در این نشریه و بازتاب آن را مورد ارزیابی قرار دهد.

شاید حساسیت نویسنده محترم بیشتر مربوط به سئوالهایی در زمینه اشغال سفارتخانه سابق آمریکا، ماجرای گروه‌گانیگری، بیانیه الجزایر و پیامدهای اقتصادی-سیاسی آنها برای کشور و ملت ایران بوده است. به نظر ما، فارغ از این که چه کسانی در گذشته مسئولیت این اقدامات را بر عهده داشته‌اند، امروز باید جمع‌بندی تجربیات آن رویدادها به صورت راهکار و خط‌مشی جدید تدوین شود و مسئولان جمهوری اسلامی در برنامه‌ریزی و تنظیم سیاست خارجی خود آن راهکارها را مورد عمل قرار دهند.

ما معتقدیم که راهکار اساسی برای حل بسیاری از مشکلات سیاسی-اقتصادی امروز جامعه در گرو اصلاح دیدگاه‌های مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

به عنوان مثال، در جریان اشغال کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مزار شریف توسط نیروهای طالبان، به رغم ادعاهای طالبان در مورد نحوه عملکرد آن کنسولگری، مقامات جمهوری اسلامی به حق مدعی بودند که بر اساس قوانین و مقررات بین‌المللی، نیروهای طالبان حق ورود به کنسولگری ایران را

<sup>۱</sup>. ماهنامه گزارش، شماره ۹۱، شهریور ۷۷. هفته‌نامه توانا، شماره ۲۵، مورخ ۷۷/۶/۱ - روزنامه جامعه، مورخ ۷۷/۶/۱۱ - هفته‌نامه آبان، شماره ۴۹، مورخ ۷۷/۸/۹ - هفته‌نامه پیام هاجر، شماره ۲۳۹، مورخ ۷۷/۸/۱۲.

نداشته‌اند و افکار عمومی و سازمانهای جهانی نیز بر این ادعای مقامات جمهوری اسلامی ایران صحه گذاشته، آن را مورد تأیید قرار دادند و اقدام وحشیانه طالبان را محکوم کردند.

در ماجرای حمله نیروهای طالبان به کنسولگری یاد شده این سؤال برای مردم مطرح شد که اگر ورود نیروهای طالبان به کنسولگری خلاف مقررات و تعهدات پذیرفته‌شده بین‌المللی و عمل خلاف و نادرستی بوده است، چرا دانشجویان پیرو خط امام وارد سفارت سابق آمریکا شدند و ۵۴ تن از کارکنان سفارت را به مدت ۴۴ روز به گروگان گرفتند و این عمل مورد تأیید رهبر فقید انقلاب، شورای انقلاب و بسیاری از نهادها قرار گرفت؟ برای پاسخ به این سؤال گفته شد که دولت موقت، که مسئولیت قانونی داشت، با اشغال سفارت آمریکا مخالف بود و برای اعتراض به عمل دانشجویان استعفا کرد! اخیراً نیز برخی از مسئولان گفته‌اند که اشغال سفارت آمریکا واکنش دانشجویان نسبت به عملکرد گذشته آمریکا در ایران بوده است و تلویحاً نیز پذیرفته شده است که جمهوری اسلامی ایران همواره نسبت به تعهدات بین‌المللی خود وفادار است.

به نظر ما، شایسته‌تر این است که نویسنده محترم عصر ما به جای اظهارنظر کلی مبنی بر این که مطالب این مصاحبه‌ها «برداشتها و تحلیلهای یکجانبه و مغشوش و مغلوپ از وقایع دوران انقلاب» است، اطلاعات و تحلیلهای همه‌جانبه و درست خود را به نشریات مربوط ارسال کنند تا در اجرای قانون مطبوعات منتشر گردد و موجبات آگاهی همگان، بویژه نسل دوم انقلاب یعنی جوانان و دانشجویان را فراهم سازد.

در هر حال، ما معتقدیم که در شرایط کنونی باید فقط مسائل ضروری و مورد نیاز امروز جامعه مطرح شود و حتی‌المقدور از برخوردهای شخصی بی‌حاصل پرهیز گردد.

۳- نویسنده محترم در پایان پاسخ خود، با نشان دادن حساسیت دیگری نسبت به مصاحبه‌های آقای دکتر یزدی نوشته است:

«برخلاف ادعای دکتر یزدی، آقای خاتمی از اشغال لانه جاسوسی متأسف نشدند بلکه از این که احساسات [مردم] آمریکا جریحه‌دار شد اظهار تأسف کردند.»

آقای سید محمد خاتمی رئیس محترم جمهوری در مصاحبه خود به طور مشخص چنین اظهار کرده‌اند: «در مورد گروگانگیری که گفتید، بنده می‌دانم که احساسات ملت بزرگ آمریکا به خاطر این قضیه جریحه‌دار شده و من متأسفم از این امر.»<sup>۱</sup>

اگر چه برداشت عمومی مردم و بسیاری از رسانه‌های داخلی و خارجی از سخنان آقای خاتمی اظهار تأسف ایشان از امر گروگانگیری بوده است- و البته منظور اصلی را هم باید از خود ایشان سؤال کرد- «این امر» در جمله بالا می‌تواند مربوط به «گروگانگیری» و «این قضیه» باشد و یا مربوط به «جریحه‌دار شدن احساسات مردم آمریکا» و این دو نیز از هم جدا نبوده است!

در قضیه کشته‌شدن جوانان آمریکایی در جنگ ویتنام و جریحه‌دار شدن احساسات مردم، بدون شک اعتراضات متوجه دولت آمریکا بود. ولی آیا در ماجرای اشغال سفارت سابق آمریکا در تهران، مردم آمریکا سیاستمداران خود را سرزنش کرده و آنان را مقصر دانسته‌اند یا اعتراض و واکنش آنان نسبت به

<sup>۱</sup>. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰/۱۰/۷۶، مصاحبه رئیس‌جمهور با خبرنگار سی‌ان‌ان.

عمل گروگانگیری و آتش زدن پرچم آمریکا بوده است؟ بنابراین، اظهار تأسف نسبت به جریحه دار شدن احساسات مردم آمریکا نمی‌تواند پیام مهمی در این گفتگوی تاریخی رئیس جمهور با مردم آمریکا در بر داشته باشد.

۴- بخش مهمی از پاسخ عصر ما مجدداً به مسئله عضویت آقای مهندس امیرانتظام در نهضت آزادی ایران و اظهارات ایشان در مصاحبه با خبرنگار روزنامه جامعه اختصاص یافته و چند بار نیز تکرار شده است. لحن پاسخ بیشتر جنبه القای شبهه، مجادله و ابراز تردید نسبت به توضیحات نهضت آزادی ایران- که با صداقت و دقت ارائه شده است- دارد. برای پرهیز از اطاله کلام از تکرار مطالب خودداری می‌کنیم و قضاوت را بر عهده خوانندگان محترم آن نشریه می‌گذاریم و صرفاً به ذکر چند نکته ضروری زیر بسنده می‌کنیم:

الف- آقای مهندس امیرانتظام در مصاحبه با مرحوم سرهنگ نجاتی<sup>۱</sup> تصریح کرده است که: «من از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ به آقای مهندس بازرگان پیوستم» و «بعد از سال ۱۳۴۵ تا شهریور ۱۳۵۷ در مبارزات شرکت نداشته‌ام.» به علاوه، ایشان بعد از مصاحبه با روزنامه جامعه اظهارات خود را در این مورد در مصاحبه منتشر نشده‌ای نیز اصلاح کرده است.

ب- نویسنده محترم به جای پذیرش شهادت رسمی نهضت آزادی ایران می‌نویسد:

«به گمان ما اعتراف به عضویت آقای امیرانتظام در نهضت در سال ۵۷ و پذیرش مسئولیت اعمال وی به

عنوان یک عضو خاطی بسیار اصولی‌تر، منطقی‌تر و در عین حال کم‌هزینه‌تر از چنین توجیهی است.»

اولاً، قضاوت بر مبنای ظن و گمان براساس اصول اسلامی گناه و باطل است.<sup>۲</sup>

ثانیاً، آقای مهندس امیرانتظام چه خطایی مرتکب شده است؟ شهید قدوسی، دادستان انقلاب وقت، قبل از محاکمه ایشان به زنده‌یاد مهندس بازرگان گفته بود که هیچ مطلبی حاکی از جاسوسی در پرونده آقای امیرانتظام ندیده است. بر این اساس، شادروان مهندس بازرگان با شجاعت و جوانمردی در دادگاه حاضر شد و با شناختی که از آقای امیرانتظام داشت، مسئولیت کلیه اقدامات ایشان در ارتباط با دولت موقت را بر عهده گرفت.

ثالثاً، تنها مطلبی که آیت‌الله گیلانی، رئیس دادگاه ایشان در آن زمان، مطرح ساخت این بود که آقای امیرانتظام در مذاکرات خود با دیپلماتهای خارجی سفره دل خود را بیش از اندازه باز کرده است که این امر مربوط به ویژگی شخصیتی و روش ارتباطی افراد می‌باشد و نمی‌توان آن را حمل بر جاسوسی و سوءنیت کرد.

رابعاً، در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۸ که نهضت آزادی ایران اطلاعیه‌ای در مورد وضع عضویت آقای مهندس امیرانتظام صادر کرد، هنوز فضای مناسبات روزهای انقلاب در دولت و شورای انقلاب وجود داشت و ماجرای اشغال سفارت سابق آمریکا رخ نداده بود.

خامساً، با توجه به این موارد بجاست که مقامات قضایی کشور با درخواست آقای مهندس امیرانتظام موافقت کنند و به اتهامات و «خطاهای» مورد ادعا علیه ایشان در دادگاه تجدیدنظر مطابق اصل ۱۶۸ قانون

<sup>۱</sup>. رجوع شود به کتاب شصت سال خدمت و مقاومت - خاطرات مهندس مهدی بازرگان در گفتگو با سرهنگ غلامرضا نجاتی - جلد دوم صفحه ۳۳۱، انتشارات رسا، ۱۳۷۷، تاریخ مصاحبه: ۷۵/۱۰/۲۲  
<sup>۲</sup>. ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً (سوره نجم، آیه ۲۸)

اساسی با حضور هیأت منصفه و به دور از احساسات و خصومت رسیدگی شود.

۵- نویسنده محترم عصر ما در قسمتهای دیگری از پاسخ خود برای این که نقش سران و فعالان نهضت آزادی ایران را در مدیریت و سازماندهی حرکت‌های مردمی در دوران قبل از پیروزی انقلاب زیر سؤال ببرد، به مذاکرات سیاسی شادروان مهندس بازرگان و دیپلماسی انقلاب در سال ۱۳۵۷ پرداخته و می‌نویسد:

«چنانکه می‌دانیم اولین جرقه انقلاب در دیمه ۱۳۵۶ زده شد. در آن زمان یعنی اواخر سال ۵۶ هنوز حرکت‌های انقلابی به صورت پراکنده وجود داشت و جریان انقلاب هنوز گسترده نشده بود.»  
پس از سال ۱۳۵۴ که انحراف در سازمان مجاهدین خلق پدید آمد، با عملیات گسترده ساواک و کمیته مشترک، عملیات مسلحانه آن سازمان و چریک‌های فدایی خلق در داخل کشور عملاً با شکست مواجه شد.<sup>۱</sup> در آن شرایط، هسته‌های خودجوش مقاومت از جوانان مسلمان به صورت مخفی و مستقل در نقاط مختلف شکل گرفت و هسته‌های مذکور عملیات پراکنده‌ای نیز انجام دادند که برای تقویت روحیه مردم مفید بود. هفت گروه از این هسته‌های مخفی نظامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کنار حزب جمهوری اسلامی متشکل شدند و نام سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران را انتخاب کردند. این سازمان که از آغاز «در رابطه با رهبر فقید انقلاب و با اعتقاد به اصل ولایت فقیه» زیر نظر نماینده ولی فقیه اداره می‌شد، با توجه به برنامه ویژه‌ای که بر عهده داشت، در سالهای اول انقلاب نیز به صورت «نیمه‌مخفی-نیمه‌علنی» به فعالیت خود ادامه می‌داد.<sup>۲</sup>

نویسنده محترم عصر ما، با اشاره به سوابق گروه‌های تشکیل‌دهنده سازمان یاد شده- که در بالا به اختصار گفته شد- جریان انقلاب مردمی در سالهای ۵۶ و ۵۷ را تلویحاً تداوم «حرکت‌های انقلابی پراکنده» آن سازمان معرفی می‌کند که واقعیت تاریخی ندارد. نویسنده در ادامه می‌گوید:  
«اساساً (نهضت آزادی) به انقلابی معتقد نبود که به رهبری دیپلماسی آن مذاکرات خارجی برای پیشبرد آن معتقد باشد.»

در این مورد نیز توضیحات زیر را لازم می‌دانیم:

یکم. درست است که حرکت‌های سازمان‌یافته مخفی، مسلحانه و انقلابی پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حلقه‌های مؤثری در زنجیره رشد مبارزات ملت ایران و نشان دادن ماهیت رژیم شاه و حامیان آن، به ویژه آمریکا، بودند و برای حرکت‌های مردمی سالهای ۵۶ و ۵۷ زمینه‌سازی کرده‌اند؛ اما مبارزات سالهای یاد شده کلاً متکی به شیوه مبارزات مردمی و علنی بوده و بنابراین، به هیچ وجه نباید نوع سازمان‌دهی و مدیریت این مبارزات را تداوم سازمان‌های مسلحانه و مخفی و بعد از سال ۴۲ به حساب آورد.

دوم. فعالیت‌های نهضت آزادی ایران، با توجه به ویژگی کادر رهبری آن، در چارچوب ضوابط مبارزات علنی و قانونی استوار بوده است و در شرایط اختناق و سرکوب- که امکانات لازم برای چنین فعالیت‌هایی وجود نداشته است- فعالیت آن به طور طبیعی متوقف و یا کمرنگ می‌شود. در دهه ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۴ فعالیت‌های سیاسی نهضت آزادی در داخل کشور کم و بیش متوقف بود ولی اعضای نهضت آزادی

<sup>۱</sup>. برای اطلاع بیشتر به جلد اول کتاب تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب) تألیف شادروان سرهنگ غلامرضا نجاتی، فصل دهم (صفحات ۳۷۰-۳۵۰) مراجعه شود.  
<sup>۲</sup>. تاریخچه گروه‌های تشکیل‌دهنده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - چاپ اول اردیبهشت ۱۳۵۹.

در خارج از کشور مسئولیت ادامه مبارزات علنی را بر دوش داشتند.

نهضت آزادی ایران همواره در ابعاد فرهنگی-اجتماعی بر انقلاب تأکید داشته است و پیشگامان آن، مرحومان آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان، در نیم قرن اخیر از احیاگران تفکر دینی بوده و همواره با تأکید بر آیه شریفه «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» در راستای دیدگاه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری به انقلاب درونی انسانها و ارزشهای حاکم بر انسان و جامعه اندیشیده و عمل کرده‌اند.

اگر منظور از انقلاب پیروی از فلسفه مارکسیستی تضاد و ترویج تخاصم، خشونت، کینه‌ورزی و ... باشد، نهضت آزادی ایران به آن اعتقاد نداشته است و ندارد و بخشی از مشکلات کنونی جامعه را ناشی از تداوم چنین روندی در دو دهه بعد از انقلاب ارزیابی می‌کند.

سوم. با آن که فعالیت سازمان نهضت آزادی ایران در داخل کشور در دهه ۴۴ تا ۵۴ تقریباً متوقف بود و نخستین نشریه علنی نهضت آزادی به مناسبت قیام ملی ۳۰ تیر در تیرماه ۱۳۵۷ منتشر شد،<sup>۱</sup> سران و فعالان نهضت آزادی در داخل کشور همواره در جریان مبارزات بودند و از جمله در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق دستگیر و زندانی شدند و از سال ۱۳۵۴ نیز برای مقابله با آثار سوءانحراف در سازمان مجاهدین خلق بر روند حرکت اسلامی به ویژه در دانشگاهها و در میان مبارزان مسلمان اقدام به انتشار بیانیه‌هایی تحلیل با امضاهای مستعار نمودند.<sup>۲</sup>

در مرحله دیگری نیز، برای آگاه کردن مردم، به ویژه قشرهای جوان و روشنفکر، و بسیج و تشکل آنان و زمینه‌سازی برای قیام توده‌های مردم محروم و زیر ستم جامعه، جمعی از اعضای نهضت آزادی ایران همراه با گروهی از همفکران اقدام به انتشار نشریات تحلیلی با عنوان «جنبش مسلمانان ایران» نمودند.<sup>۳</sup> این نشریات احتمالاً تنها نشریات تحلیلی منظم و مؤثری بود که مورد استقبال مردم مبارز و مجاهد در داخل و خارج از کشور قرار می‌گرفت و به مبارزات مردم محتوا و شکل می‌بخشید.<sup>۴</sup>

۶- نویسنده محترم عصر ما در جمله دیگری از پاسخ خود می‌نویسد:

«در سال ۵۶... نهضت آزادی ایران تقریباً فعالیت‌ناشته و حتی در مجموعه اسناد منتشره از سوی نهضت هیچ اثر قابل‌ذکری از فعالیت نهضت در سال ۵۶ به چشم نمی‌خورد. نهضت در آن سال نه تنها در کادر رهبری انقلاب نبوده، بلکه هیچگونه فعالیت انقلابی قابل‌ذکری نداشته است.»

نخست آنکه با توجه به توضیحاتی که در بند قبل ارائه شد و به گواهی اسناد منتشر شده، نهضت آزادی ایران در داخل کشور با توجه به امکانات و محدودیت‌ها، از طریق ایراد سخنرانی‌ها، تجمع در مساجد و سازماندهی گروههای جنبی و حرکات مردمی به رسالت خود عمل کرده و فعال بوده است و این اظهارنظر نویسنده احتمالاً ناشی از بی‌اطلاعی ایشان و فقدان تبلیغات مستقیم به نام نهضت آزادی در آن دوره می‌باشد.

دوم آنکه نویسنده محترم بدون توجه به اسناد و مدارک تاریخی و واقعیتها و نقش مؤثر سران و فعالان نهضت آزادی ایران در مدیریت و سازماندهی مبارزات مردم در سالهای ۵۶ و ۵۷ در داخل و خارج

<sup>۱</sup>. اسناد نهضت آزادی ایران، جلد ۱۱ - اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و تحلیلهای سیاسی ۱۳۵۹-۱۳۵۷، صفحه ۵

<sup>۲</sup>. اسناد نهضت آزادی ایران، جلد ۹- دفتر اول: ادامه مقاومت و مبارزه ۱۳۵۴-۱۳۵۷، صفحات ۱ تا ۳۳

<sup>۳</sup>. منبع قبلی، صفحات ۱۱۴ تا ۱۸۳

<sup>۴</sup>. برای آگاهی از سایر اقدامات در این دوره به منبع فوق، صفحات ۱۹۲ تا ۲۴۲ مراجعه شود.

کشور، ضمن تأیید ضرورت دیپلماسی برای موفقیت مبارزات سیاسی و سلب صلاحیت!! از شادروان مهندس بازرگان و نهضت آزادی ایران (که به باور نویسنده فعالیت انقلابی نداشته‌اند!) به طور تلویحی اعضای هسته‌های انقلابی مخفی سازمان خود را واجد شرایط معرفی کرده و چنین القا می‌کند که حق بوده است که آن سازمان این مهم را انجام می‌داده است!!

برای تکمیل نظر خود، نویسنده محترم اضافه می‌کند:

«یک سازمان سیاسی که هیچ مسئولیت رسمی ندارد به چه حقی و با چه منطقی با قدرتهای خارجی رابطه برقرار می‌کند؟»

شادروان مهندس بازرگان، دبیرکل فقید نهضت آزادی ایران، با سابقه چند دهه مبارزات و خدمات و داشتن پایگاه مردمی، در ارتباط با مذاکرات مورد نظر نویسنده عصر ما به وظیفه و رسالت تاریخی خود عمل می‌کرده است و اعضای محترم شورای انقلاب نیز آن را تأیید می‌کرده‌اند و رهبر فقید انقلاب هم که در جریان مذاکرات قبل و بعد از انقلاب قرار گرفتند، نه تنها چنین انحرافی را مطرح نکردند بلکه مسئولیت‌های سنگین‌تری را بر عهده مهندس بازرگان گذاردند.

شاید نویسنده مقاله و اعضای محترم سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - که در آن سالها ناشناخته بوده و زندگی مخفی و انقلابی داشتند - انتظار داشته‌اند که شادروان مهندس بازرگان برای مذاکرات و دیپلماسی انقلاب از آنان کسب اجازه می‌کرده است!

۷- نویسنده محترم عصر ما در جای دیگری از پاسخ خود پا را فراتر گذارده و سؤال می‌کند که:

«نهضت آزادی که در جریان مبارزات سیاسی خود برای پیشبرد اهداف خویش تماس با نمایندگان قدرتهای خارجی را مجاز می‌شمارد باید به این سؤال پاسخ گوید که چه تضمینی وجود دارد که چنین مذاکراتی از سوی نهضت با آمریکایی‌ها و یا انگلیسی‌ها در حال حاضر در جریان نباشد؟»

اگر چه نهضت آزادی ایران چنین پرسشی را نادرست و غیرموجه می‌داند، برای روشن شدن ذهن خوانندگان محترم توضیح زیر را ارائه می‌کند. در دوران مبارزات قبل از انقلاب، همان گونه که قبلاً توضیح داده شد، نهضت آزادی ایران و سپس شورای انقلاب مذاکرات سیاسی را ضروری تشخیص دادند و این اقدامات در چارچوب مصالح ملی و انقلاب صورت گرفت. آنان توانستند از بسیاری فجایع و کشتارها جلوگیری کنند و این امر به هنگام اوچگیری یک انقلاب ضروری است.

در سالهای پس از انقلاب نیز که نظام جمهوری اسلامی مستقر شده است، نهضت آزادی ایران مذاکراتی را با نمایندگان رسمی کشورهای خارجی داشته است؛ با این تفاوت که این گونه مذاکرات در هر مورد با اطلاع و موافقت وزارت امور خارجه و در مورد مصاحبه با خبرنگاران رسانه‌های خارجی با مجوز وزارت ارشاد اسلامی انجام یافته است. در مواردی که وزارت امور خارجه مذاکره‌ای را تأیید نکرده است، از اجرای آن خودداری شده است. بدیهی است که هدف این مذاکرات همواره تأمین منافع و مصالح ملی در چارچوب قانون اساسی بوده است.

۸- در جای جای پاسخ عصر ما روش مجادله و مغالطه برجستگی خاصی دارد. از جمله نویسنده

محترم در بخشی از پاسخ می‌نویسد:

«دبیرکل فعلی نهضت آزادی در سالهای انقلاب در خارج از کشور به سر می‌بردند و طبعاً در جریان این ملاقاتها نبودند. لذا بدیهی است که برای کشف هدف از ملاقاتهای مذکور به شواهد و قرائن و امارات استناد



کند. اما استناد به قرائن و امارات در تحلیل یک حادثه تاریخی زمانی منطقی است که شاهد عینی در میان نباشد. اما وقتی این شاهد عاقل و با فراست است... که در آن ملاقاتها حضوری فعال داشته است و خود به صراحت هدف از آنها ملاقاتها را بیان می‌کند چه جای استناد به شواهد و قرائن و بستن آسمان به ریسمان به یکدیگر است؟ چنانکه بعد از این خواهیم گفت متأسفانه این تنها مورد تاریخی نیست که نهضت آزادی و دبیرکل محترم آن بدون توجه به مستندات مسلم به تفسیری واژگونه از آن می‌پردازد.»

نویسنده محترم عصر ما با تکیه بر این فرض مسلم که جوابیه نهضت آزادی ایران توسط دبیرکل آن، آقای دکتر یزدی، نوشته شده است و در سال ۵۷ که مذاکرات سیاسی صورت می‌گرفت ایشان در خارج از کشور بوده و از مذاکرات مطلع نبوده است می‌پرسد که چرا به جای استناد به سخنان آقای مهندس امیرانتظام به شواهد و قرائن و بستن آسمان و ریسمان به یکدیگر متوسل شده است؟ نویسنده محترم بر این اساس محدوده ظن و گمان خود را توسعه داده، آقای دکتر یزدی را متهم می‌کند که در موارد تاریخی دیگر نیز «بدون توجه به مستندات مسلم به تفسیری واژگونه از آن می‌پردازد».

اولاً، جوابیه نهضت آزادی ایران و رویدادهای سالهای ۵۶ و ۵۷ را آقای دکتر یزدی ننوشته‌اند. با فضل و خواست الهی چند تن از اعضای کمیسیون مسئول مذاکرات سیاسی شورای مرکزی نهضت آزادی ایران- که در جریان مستقیم این مذاکرات بوده‌اند- در قید حیات هستند و پاره‌ای از واقعیات تاریخ انقلاب برای نخستین بار توسط همین افراد مطلع در جوابیه مذکور به رشته تحریر درآمده است.

ثانیاً، اطلاعیه‌ها، تحلیلها و بیانیه‌های نهضت آزادی محصول کار جمعی است و حداقل مسئولان اصلی نهضت، از جمله دبیرکل، آنها را بررسی و تأیید می‌کنند.

ثالثاً، آنچه در جوابیه نهضت آزادی ایران در مورد آقای مهندس امیرانتظام ارائه شده است اطلاعاتی تاریخی است که با رعایت «امانت» در اختیار خوانندگان محترم عصر ما و مردم ایران قرار گرفته است و جای هیچ تردید و شبهه‌ای در آنها نیست.

رابعاً، اگر پیشگامان و مسئولان نهضت آزادی ایران می‌خواستند براساس ظن و گمان نویسنده محترم عصر ما در هر دوره‌ای متناسب با مقتضیات و شرایط زمان و مکان اظهار نظر کنند، نظرها و دیدگاههای آنان از انسجام برخوردار نمی‌بود و دوست و دشمن به صداقت و صراحت و شجاعت پیشگامان نهضت آزادی همچون مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی و دکتر یدالله سبحانی اعتراف نمی‌کردند.

خامساً، ما مصرانه از نویسنده محترم می‌خواهیم مواردی را که به گمان ایشان «مستندات مسلم» واژگونه تفسیر شده است مطرح نمایند تا موجب آگاهی بیشتر ما و خوانندگان محترم عصر ما گردد.

۹- در عبارت دیگری از پاسخ عصر ما، نویسنده محترم، نهضت آزادی ایران را متهم می‌کند و

می‌نویسد:

«متأسفانه نهضت در قبال انقلاب اسلامی و همچنین پس از آن همواره دوگانه و مبهم عمل کرده است و این دوگانگی و ابهام حتی در جوابیه... نیز به چشم می‌خورد... نهضت آزادی در این جوابیه با ظرافت تمام به جای حکومت اسلامی عبارت ارزشهای اسلامی را به کار برده و با توجه به وجود فضای فکری نسل دوم انقلاب که اطلاعی از گذشته ندارد می‌کوشد حساب خود را از دیگران جدا کند و در حالی که در بیانیه ۱۴ آبان ۵۷ از حکومت اسلامی به عنوان هدف و خواست مردم سخن می‌گوید.»

پاسخ ما در این باره به شرح زیر است:

یکم. مواضع نهضت آزادی ایران در قبال انقلاب اسلامی ایران به طور کاملاً صریح و شفاف در

بیانیه‌ها و نشریات آن آمده است. توصیه می‌کنیم که اگر دوگانگی و ابهامی به نظر نویسنده محترم می‌رسد موارد آن را مشخصاً مطرح سازند تا خوانندگان عصر ما آگاهی بیشتری پیدا کنند.

دوم. در مورد استفاده از دو واژه «حکومت اسلامی» و «ارزشهای اسلامی» که نویسنده محترم آنها را دوگانه تصور کرده است، چنین تصویری کاملاً نادرست است. در نوشته‌های نهضت آزادی ایران، با آگاهی و شناخت، این دو واژه به صورت مترادف به کار رفته است؛ زیرا نهضت آزادی ایران با مبانی اعتقادی خود که مردم را منشأ قدرت و مشروعیت مدیریت جامعه می‌داند از «حکومت اسلامی» مفهوم حاکمیت ارزشهای اسلامی توسط مردم را مورد تأکید قرار داده است.

البته برای کسانی که «حکومت اسلامی» را به معنای حاکمیت روحانیت و یا ولایت فقیه می‌دانند این دوگانگی می‌تواند مطرح باشد.

سوم. در بیانیه ۱۴ آبان ۵۷ نهضت آزادی ایران که خواست مردم مسلمان ایران به عنوان یک واقعیت در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی بیان شده است، چنین آمده است:

«اکثریت قاطع ملت ایران شاه و رژیم او را نمی‌خواهد و خواستار حکومت اسلامی است.»<sup>۱</sup>

در فرهنگ سیاسی رایج آن دوره که هنوز نظریه «ولایت فقیه» در سطح جامعه مطرح نشده بود و ابعاد حکومت اسلامی مشخص نبود، مردم نیز همین برداشت را از حکومت اسلامی داشتند و با چنان تصویری که رهبر فقید انقلاب در سخنان خود در پاریس در ذهن مردم ایران و جهانیان ایجاد کرده بودند، در مبارزات سال ۵۷ مشارکت کردند.

چهارم. قرآن کریم نیز در آیات متعددی مردم را منشأ و عامل حاکمیت ارزشهای الهی معرفی می‌کند؛ از جمله در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید- که رسالت انبیا را توضیح می‌دهد- تأکید می‌کند که «ما پیامبران را با دلایل روشنگر فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.»<sup>۲</sup> در این آیه، فاعل جمله کلمه مردم (الناس) است یعنی رسالت انبیا (فقط) هدایت مردم و آگاهی دادن به آنان است تا خود اقامه قسط کنند و ارزشهای الهی را در جامعه پیاده نمایند. در این آیه شریفه گفته نشده است که «انبیا» یا «علما» یا «فقها» یا «احزاب» برای برپایی قسط قیام کنند. در این گونه آیات به روشنی دیده می‌شود که ارزشهای الهی و اسلامی توسط مردم در جامعه حاکم می‌شود.

۱۰- در ادامه همین مطلب، نویسنده محترم عصر ما اضافه کرده است:

«نهضت آزادی ایران هرگز در پی تغییر رژیم سلطنتی نبوده است و در کلیه اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های رسمی خود... فقط رفتن شاه و برجیده شدن رژیم سلطنتی و تغییر قانون اساسی را شعار می‌داد. مرحوم بازرگان حتی در آستانه پیروزی انقلاب معتقد بود امام باید با رفتن شاه و تشکیل شورای سلطنت یا جانشینی پسرش موافقت می‌کرد.»

واقعاً تهازل و انکار واقعیت‌های تاریخی هم حدی دارد! کیست که نداند شادروان مهندس بازرگان و سایر پیشگامان نهضت آزادی ایران به طور مستمر خدمات فرهنگی-اجتماعی-سیاسی خود را بر گرد محور مبارزات ضداستبدادی بویژه علیه شاه، و تأمین آزادی و حاکمیت ملت متمرکز ساخته بودند تا زمینه‌های محو فرهنگ و رژیم استبداد سلطنتی فراهم شود و انسان در جامعه کرامت و شخصیت پیدا کند

<sup>۱</sup>. اسناد نهضت آزادی ایران، جلد ۱۱- اعلامیه‌ها، و بیانیه‌ها و تحلیل‌های سیاسی ۱۳۵۹-۱۳۵۷  
<sup>۲</sup>. لقد ارسلنا بالنبیات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط

و نیاز به قیم نداشته باشد. مدافعات منتشر شده زنده یاد مهندس بازرگان در دادگاه نظام عشرت آباد در سال ۱۳۴۳ تحت عنوان «چرا با استبداد مخالفیم؟» زیربنای تفکر و عملکرد نهضت آزادی ایران را به خوبی نشان می‌دهد. البته احزاب سیاسی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت علنی و قانونی داشتند هیچگاه مانند سازمانهای مخفی مقاصد خود را مطرح نمی‌ساختند. در هر مقطعی، تاکتیک مربوط به آن مرحله از مبارزه قابل طرح بود. نویسنده محترم عصر ما، پیشنهاد تاکتیک انتقال آرام نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی از طریق تشکیل «شورای سلطنت» متشکل از افراد مورد وثوق انقلاب را یک امر استراتژیک تلقی نموده و این چنین برخلاف واقعیت‌های آشکار تاریخی، نهضت آزادی ایران و شادروان مهندس بازرگان را مورد اتهام قرار داده است!!

۱۱- نویسنده محترم عصر ما در ادامه مطالب خلاف واقع خود می‌نویسد:

«عدم اعتقاد نهضت به انقلاب آنچنان راسخ بود که پس از پیروزی و تشکیل دولت موقت به جای محاکمه امیران ارتش شاه، آنها را بازنشست می‌کرد. مرحوم رجایی که تا آستانه انقلاب با نهضت همکاری داشت می‌گفت بعضی از اعضای کابینه می‌گویند ما باید طوری عمل کنیم که اگر شاه برگشت از نظر قانونی تخلفی مرتکب نشده باشیم.»

اولاً، اگر نویسنده عصر ما «انقلاب» را فقط به معنای تمامی محاکمات و مصادره‌های بی‌رویه اوایل انقلاب می‌داند، البته نهضت آزادی ایران به آن اعتقاد نداشته است و ندارد. نهضت آزادی ایران انقلاب را در تحقق اصول و آرمانهای مردم که در شعارهای انقلاب تجلی داشت، می‌داند. شعار محوری انقلاب «آزادی- استقلال- حکومت اسلامی» بود، یعنی جایگزینی آزادی و حاکمیت ملت به جای حاکمیت استبداد، تأمین استقلال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و قطع نفوذ استیلای بیگانگان و حاکمیت ارزشهای اسلامی به جای ارزشها و فرهنگ استبداد سلطنتی و به طور خلاصه، ایجاد زمینه مناسب برای رشد و رستگاری انسانها و جامعه و رفاه مردم.

ثانیاً، مگر دولت موقت قوه قضائیه بود که باید دست به محاکمه امیران ارتش شاه می‌زد؟ قوه قضائیه و دادگاهها خود رأساً اقدام می‌کردند و مسئول خیر و شر اعمالشان نیز خود آنها بوده‌اند و هستند. ثالثاً، مرحوم رجایی تا پایان سال ۱۳۵۸ با نهضت آزادی همکاری داشت و در جلسات شورای مرکزی آن شرکت می‌کرد.

رابعاً، اگر چنین نقل‌قولی از مرحوم رجایی صحت داشته باشد، باید مشخص شود که چه کسانی چنین نظری داشته‌اند؟ نهضت آزادی ایران نمی‌تواند پاسخگوی اظهارنظرهای تمامی اعضای دولت موقت- که اکثراً غیرنهضتی بوده‌اند- باشد. اما کسانی که برای رضای خدا و خدمت به مردم در انقلاب شرکت داشته‌اند به نحوی عمل کرده‌اند که بتوانند امروز نزد مردم و فردا در پیشگاه الهی جوابگو باشند و بنابراین هیچگاه به خاطر اقدام منطقی و اصولی خود بی‌بی‌بی به دل راه نمی‌دهند.

نکات دیگری نیز در جوابیه عصر ما آمده است که در این جا از پاسخ دادن به آنها برای جلوگیری از اطلاع کلام خودداری می‌کنیم و از نویسنده و خوانندگان محترم می‌خواهیم که یکبار دیگر جوابیه نهضت آزادی ایران و پاسخ عصر ما را مطالعه کنند و خود به داوری بنشینند.

نهضت آزادی ایران در این نوشتار تنها به طرح نکاتی که جنبه دفاعی و رفع ابهام داشت، پرداخته است. ما در شرایط کنونی مایل نیستیم که به بررسی دیدگاهها و عملکرد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و

پارهای از اعضای شناخته شده آن بپردازیم. به نظر ما، آنچه امروز به عنوان عمل صالح برای همه کسانی که مدعی پاسداری از اصول و آرمانهای اولیه انقلاب، وفادار به نظام جمهوری اسلامی و ملتزم به قانون اساسی هستند و راه نجات کشور را در اجرای برنامه توسعه سیاسی، تحقق جامعه مدنی، جلب مشارکت مردم و مقابله با عملکرد ناصواب گروههای انحصارطلب می‌دانند، ضروری است که در راستای اهداف مشترک فوق به صورت هماهنگ عمل کنند. قرآن کریم نیز ما را به پذیرش و تحمل دیدگاههای مختلف، پرهیز از تفرقه و تقابل نیروها و نهایتاً به مسابقه در عمل صالح و خیر دعوت می‌کند: ولکل وجهه هو مولیها فاستبقوا الخیرات...

نهضت آزادی ایران